

متن پرسش

به نام خدا با سلام خدمت استاد استاد ما در سیر انقلاب در زمینه مقام اول اجرایی کشور همواره رو به پیشرفت به سمت نزدیک شدن دیدگاههای روسا به دیدگاههای حضرت امام (رض) و در نتیجه کشف حجابهای ظلمانی مدرنیته و ظهور تدریجی نور انقلاب بوده ایم. ابتدا بنی صدر که رسماً میتوان او را جزو اردوگاه غرب دانست، پس از آن شهید رجایی که البته به دلیل فرصت بسیار کوتاه تا شهادت شاید نتوان ایشان را در این سیر قرار داد، پس از آن آقای موسوی که البته اسماً حضرت آقا رییس جمهور بودند ولی در واقع مقام اجرایی کشور آقای موسوی بودند. ایشان دیدگاهی تماماً غربی داشتند البته غرب چپ! ولی تلاش میکرد خود را انقلابی جلوه دهد. پس از آن آقای هاشمی رفسنجانی که می توان دیدگاه ایشان را التقاطی نامید و از این جنبه بر آقای موسوی برتری داشتند. ایشان سعی در هماهنگ سازی اسلام با مولفه های دنیای مدرن (مدرنیته) داشتند که البته می دانیم این امر به دلیل تعارض ذاتی انقلاب با عالم غربی نهایتاً به تقابل با اصل انقلاب خواهد انجامید. پس از او آقای خاتمی با دیدگاههای شفافتر و صریحتر نسبت به آقای هاشمی آمد. در اینجا عده ای آقای خاتمی را نسبت به آقای هاشمی دورتر از انقلاب می دانند ولی بنده فکر می کنم دیدگاه آقای هاشمی نسبت به انقلاب دورتر از آقای خاتمی است زیرا آقای هاشمی پایه و اساس التقاط را وارد در بخشهای بسیاری از نظام کردند و در واقع می توان آقای خاتمی را میوه آقای هاشمی دانست. از این نظر بنده آقای هاشمی را دورتر از انقلاب می دانم. پس از آقای خاتمی یک بازگشت رادیکال (به معنی مثبتش) به اصل انقلاب صورت گرفت. ولی پس از آقای احمدی نژاد، با انتخاب آقای روحانی به نظر می رسد این سیر در مسیر خلاف خود حرکت کرده است. مگر آنکه آقای روحانی را در پراگماتیزم قرار دهیم و ایشان را عاملی برای به وقوع پیوستن حوادثی خاص و فوق العاده و البته رادیکال که نهایتاً منجر به بازگشت اساسی به اصل انقلاب خواهد شد بدانیم. سوالات اینجانب از جنابعالی: ۱- آیا شما این روند و سیر را در تاریخ انقلاب را می پذیرید؟ ۲- نظر شما درباره دیدگاه بنده نسبت به آقای هاشمی و آقای خاتمی چیست؟ ۳- اگر این سیر را می پذیرید جایگاه آقای روحانی در این سیر کجاست؟ ۴- اگر این سیر را نمی پذیرید لطفاً جایگاه تاریخی آقای روحانی را مقداری توضیح دهید. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱ و ۲- این سیر در نظام اجرائی ظاهراً همین طور است که می فرمایید و آقای هاشمی به خصوص در این اواخر نشان دادند که پذیرفته اند انقلاب اسلامی در ذیل غرب به خصوص

آمریکا خود را حفظ کند ولی این سیر در مردم متفاوت است و نیروهای انقلاب در شرایط فاصله‌گرفتن هرچه بیشتر از نگاه آقای هاشمی و نزدیکی به رهبری هستند^۳- آقای روحانی در شرایط بینابینی، بین آقای هاشمی و رهبری قرار دارند در عین آن که حد اقل از نظر عده و عُدّه در اردوگاه اصلاح‌طلبان جای دارند، زمینه‌ی پذیرش رهنمودهای رهبری را در خود از بین نبرده‌اند تا ببینیم در ادامه چه کار می‌کنند.

موفق باشید